

# جنگل های تاریک

## آمازون

اثر: ژول ورن

مترجم: عنایت الله شکیباپور

ورن، ژول، ۱۸۲۸ - ۱۹۰۵. Verac Jules

جنگل‌های تاریک آمازون / ژول ورن؛ ترجمه  
عنایت‌الله شکیباپور - [تهران] - راستی نو، [۱۳۷۴]  
۱۲۲ ص.

ISBN ۹۶۲ - ۵۶۱۱ - ۰۹ - ۱

فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیبا.

عنوان اصلی: The giant raft: 800 Leagues on thd Amazon

چاپ قبلی: راستی نو، ۱۳۷۴

چاپ چهارم ۱۳۷۸

۱. داستان‌های فرانسوی - قرن ۱۹.

الف. شکیباپور، عنایت‌الله، ۱۲۸۶ - ۱۳۶۳. مترجم. ب. عنوان

ج۹/۸۴۳/APQ2507

۱۳۷۴ ج ۵۵۹ و ۱۳۷۴

کتابخانه ملی ایران ۶۵۰۵ - ۷۲ م.



## انتشارات راستی نو

نام کتاب: جنگل‌های تاریک آمازون

نویسنده: ژول ورن

مترجم: عنایت‌الله شکیباپور

حروف نگار و صفحه‌آرا: فاطمه علی‌حسینی

لیتوگرافی: میر

چاپخانه: تابش

نوبت چاپ: پنجم

شمارگان: ۲۰۰۰

شابک: ۹۶۴ - ۵۶۱۱ - ۰۹ - ۱

قیمت: ۳۰۰۰ تومان

نشانی: خیابان انقلاب، خیابان قدس، پلاک ۳، واحد ۵ تلفن: ۶۶۹۶۰۵۷۰ - ۶۶۹۵۳۳۹۲

سایت اینترنتی:

پست الکترونیک:

## فهرست مطالب

.....	مقدمه‌ی ناشر
.....	جنگل‌های تاریک آمازون

## مقدمه‌ی ناشر

سال‌های نیمه دوم قرن نوزدهم، دوران علم‌گرایی و تحولات سریع صنعتی بود. هر روز سخن از اختراعی تازه به میان می‌آمد، استفاده از نیروی بخار جهت حمل و نقل کالاها و استفاده از تلگراف و بهره‌گیری از نیروی الکتریسته و ده‌ها اختراع جدید، نوید آینده‌ای آکنده از نوآوری‌های تکنولوژیک را به نسل‌های آینده می‌داد.

در این مقطع از زمان، نویسنده‌ای در فرانسه که مهد تفکر صنعتی زمان خود بود، پای به عرصه هستی گذاشت که ذهنیتی خلاق و خیال‌پرداز داشت، ذهنیتی که در جهت تحولات صنعتی جدید شکل گرفته بود و آینده‌ی نه‌چندان دورتر را می‌دید و درمی‌یافت که در این روند علم‌گرایی دور نمی‌باشد که انسان‌ها به کرات دیگر سفر کنند و به رازهای اعماق زمین دست یابند و عرصه‌ی کره زمین را در کوتاه زمانی طی کنند و اعماق اقیانوس‌ها را در مسخر خویش سازند و بدین‌گونه باب تازه‌ای در قسه‌نویسی گشوده شد و آن داستان‌ها علمی بود.

اما ژول ورن تنها زاده‌ی عصر علم‌گرایی و ترقیات صنعتی نبود، زاده‌ی تحولات سرمایه‌داری و اصالت ماده نیز بود. تحولاتی که انقلاب کبیر فرانسه را پدید آورد و جنگ‌های خونبار ناپلئون را با کشورهای مختلف جهان از جمله انگلیس و روسیه تزاری در پی داشت. ژول ورن در عصر رشد و پا گرفتن نهادهای سرمایه‌داری می‌زیست و بدیهی است به همان‌گونه که از تحولات صنعتی زمان خود متأثر گردیده، از رشد سرمایه‌داری و نهادهای آن متأثر شود.

وجود جملاتی از گونه «او فکر می‌کرد تمام جهان را به او داده‌اند و دیگر ممکن نیست هیچ بدبختی و ناراحتی برای او پیش آید» که نماد اندیشه‌های مادی و مبنا قرار دادن مادیت است متأثر از فضایی است که در آن می‌زیست.

بی‌تردید نظام سرمایه‌داری برای دستیابی به منافع بیشتر، نیروها و اندیشه‌های صنعتی را در خدمت گرفت و به یاری آن نیروها، توش و توان بیشتری یافت، اما متأسفانه تأکید بر

مادیت انسان‌ها را از معنویات خالی ساخت و از انسان پرعاطفه عصر رومانتیسم که همه اندیشه‌اش متوجه قهرمانی، جوانمردی و ایثار و گذشت بود، انسانی خالی از عاطفه، بی‌شفقت و بی‌ترحم ساخت، انسانی که تنها و تنها در مدار خویش می‌گردد و به ناپودی همه چیز و همه کس برای لحظه‌ای سرمستی و شوریدگی و بی‌خیالی مهر تأیید می‌گذارد. حقیقت این است که ژول ورن با وجود خلاقیت ذهن، آن روی سکه دنیاگرایی را ندیده بود و نمی‌دانست که با گذر از عصر رومانتیسم به دوره‌ای پای می‌گذارد که آکنده از ناجوانمردی و خشونت است؛ چرا که اگر این عصر را می‌شناخت، بی‌تردید ما را با تفکرات شوم حاکم بر سرمایه‌داری آشنا می‌ساخت.